



۲۰۱۷/۰۲/۲۲



میر عنایت الله آشفته

تعویض نام نظام

ماهیت دولتمردان و بخت ملت؛ بهتر نمی شود!

آیا انحصاری گری، چپاول گری و قانون شکنی، مندرج قانون اساسی یا سیستم ریاستی می باشد؟ ملت به گروگان گرفته شده ما، پس از ۱۶ سال حاکمیت جابرانه و باج گیرانه توسط حاکمان متهم به خرابکاری، اعم از چپ و راست کاذب، شاهد یک سلسله بحث ها و ترفند های نو، زیر نام تغییر قانون اساسی، تدویر لویه جرگه، تغییر نظام غیر از متمرکز؟! به صدارتی و پارلمانی توسط چهره های آزمون شده و پُشت کرده با ملت می باشند. آنهاییکه سخیفانه سرگرم چانه زنی با تیم رئیس جمهور، خواهان حق بیشتر و تداوم قدرت انحصاری خویش با نیرنگ تازه می باشند، یا به اشتباه رفته اند یا آگاهانه و عمدی با ملت و زادگاه خویش؛ جفا می نمایند.

آگاهان سیاسی دلسوز و متعلق به ملت، از بیان ارائه نظرات و دیدگاه های متفاوت در مورد تغییر نظام و مسایل مرتبط به سرنوشت کشور، هراس ندارند؛ بلکه از بدام افگندن مجدد عوام الناس و به جان هم انداختن اقوام (مواد سوخت جنگ، افغان علیه افغان) توسط تیکه دار ها با استفاده از گرم نگهداشتن تعصبات قومی، سمتی، زبانی، مذهبی، تنظیمی، ایدئولوژی های وارده مضر به ملت و مفید به بیگانگان حریص و طماع هراس دارند.

هواداران تغییر نظام : یا اشتباه محاسبه نموده اید یا آگاهانه و عمدتاً با ملت و زادگاه خویش؛ جفا می نمائید. ما، «منظور از اکثریت قاطع ملت متفرق، اسیر و به گروگان گرفته می باشد» ما، نیز، مخالف تمرکز قدرت به دست یک فرد که منبع فساد و منتجد به خطر ایجاد دکتاتوری می شود؛ می باشیم.

ما نیز آرزو نداریم، والی ولایت، فاقد صلاحیت اداری باشد یا فاقد بودجه حداقل ۵۰۰ هزار افغانی باشد. اما چرا هراس و مخالفت داریم؟ با وجودی که «ما» در انزوا و مخالف سیاسی تیم؟! رئیس جمهور و تیم رئیس اجراییه؛ قرار داریم، اما در کنار اکثریت قاطع مردم خود؛ محکم و هدفمند ایستاده ایم. باور ما، نبود و فقدان احزاب فراگیر ملی «احزاب سیاسی افغانستان شمول می باشد که فارغ از تعصب سمت، قوم، زبان و مذهب» باشند. عدم تعهد احزاب؟! موجود، مصاب به امراض مدهش و هراسناک، فاقد درک سالم از منافع علیای کشور، عدم تعریف واحد از منافع ملی، وحدت آگاهانه و برادرانه کشور می باشد. به علاوه، دست باز مداخله گر کشور های دور و نزدیک و تقابل مخالفان حضور امریکا + ناتو در افغانستان، دلایلی می باشد که ناگذیر برای بقاء سلامت کشور واحد خویش مخالفت و صدای اعتراض بلند نمائیم.

تداوم ۳۸ ساله جنگ قدرت، از همپاشی شیرازه کشور و عدم حس اعتماد نسبت به یک دیگر اعم از احزاب چپ، راست و مخالفان مسلح طالبان که به بخشها و فراقسیون های متعدد تقسیم شده اند، مزیدی بر علت مداخله کشورهای رقیب و متخاصم چون امریکا، روسیه، چین، پاکستان، هندوستان، عربستان، ایران، ترکیه و . . . همه عواملی است که در مسایل ملی، با وجود داشتن اختلاف سیاسی، دیدگاه ها و تالیق متفاوت، برای حفظ و بقاء کشور یکپارچه، ما ناگزیریم با یک دیگر تبادل نظر نموده، از عواقب خطرناک و ناگوارش که از کنترل خارج خواهد بود؛ به ملت دردمند خویش؛ ادای دین و رسالت نمائیم.

آیا به وسیله توضیح پول و تطمیع، تدویر لویه جرگه فرمایشی آقای کرزی، مبنی بر امضاء پیمان ستراتیژیک و امنیتی با اضلاع متحده امریکا، خلاف توقع، محاسبه و انتظارش؛ نتایج لویه جرگه برعکس نشد؟ حتی اختلاف «حضرت صاحب و آقای کرزی» در اجلاس اختتامیه آفتابی نشد؟ شما چه ضمانتی دارید که در بدل پرداخت اندک پول یکی از کشورهای مداخله گر، شاهد تعویض چند بار صدراعظم کشور؛ در یک سال باشیم.

منتقدین و آگاهان توقع دارند که سیاسیون کشور منحنیث حاکمان ناکام ولی دور نگر به حقایق تلخ و خونین کشور توجه نموده بیشتر از این به عملکرد غیر مسؤولانه، سبک سرانه و ننگین گذشته، بخصوص از ۱۶ سال اخیر درس عبرت آموخته، با ندامت و پشیمانی فرصت های مثبت را که از دست داده اید، بیشتر از این کشور را به میدان رقابت های ناسالم قدرت های متخاصم بیرونی مساعد نسازید. به عمق معضلات و اجراءات تأسفبار خویش توجه داشته باشید. مشکل ما، نظام و سیستم سیاسی نیست؛ بلکه گروگان گیری شما تیکه دار ها می باشد.

در کدام ماده قانون اساسی تسجیل یافته بود که قدرت، صرف به یک تنظیم و یک محل خاص تعلق گیرد؟ حتی شما سهم برداران جمعیت تان را نیز غصب و بلعیدید، چرا و تا چه زمانی؟ عواقب، ملوک الطوائفی، خطرناکتر از فرد گرایی می باشد. به نکات زیر؛ چه جواب دارید؟

۱ - آیا پُست ریاست اجرائیه، شامل قانون اساسی است؟ اختلافات قاتلانه تنظیمی چه ارتباط به سیستم و نظام دارد؟
۲ - آیا عمل شرم آور و سرافکندگی معاون ریاست جمهور، اتهام وارد شده و تأیید شده از جانب طب عدلی کشور و خارجی (بگرام) علیه این مقام، از جانب یکی از همکاران سابقه و زورمندش که خود از جمله تیکه دار های قوم شریف اُزبک میدانند، چه ارتباط به نظام ریاستی، صدارتی، پارلمانی یا فدرالی دارد؟

۳ - عدم پرداخت صرفیه برق از جانب کدر رهبری کشور که لیست طولی را احتوا می نماید و همه حد اقل مُلتی میلیونر می باشند، چه ارتباط به سیستم سیاسی نظام دارد؟

۴ - حمایت از افراد قانون شکن، استفاده جو، غاصب، قاچاقچی، مافیایی، وابسته به اهداف استخبارات بیگانه و . . . چه ربطی به سیستم متمرکز، غیر متمرکز، فدرالی یا صدارتی و پارلمانی دارد؟

۵ - آیا برخورد های تشکیلاتی، قومی، زبانی، سمتی، مذهبی، تنظیمی، بیگانه پرستی و . . . را توام با تعصب و عدم تعهد به منافع ملت و تمامیت ارضی؛ نادیده می گیرید؟

۶ - انتقال سرمایه به خارج از کشور، توسط به اصطلاح بزرگان دولت (تیکه دار دین، قوم، زبان، سمت، مذهب، تنظیم، حزب، نهاد، بنیاد) تحت حمایت قوای بیگانه؛ را چه استدلال می نمائید؟ و چه ربطی به نوعی نظام دارد؟

اگر صاحب نظام صدارتی، غیر متمرکز یا پارلمانی می بودیم؛ این سرقت ها و خلاف کاری ها؛ صورت نمی گرفت؟

۷ : - آیا آقایان عبدالله، قانونی و سایر چهره های معترض در ساختن نظام ریاستی، ۱۶ سال قبل، نظر مثبت نداشتند؟ صحه نگذاشتند؟ تائید نکردند؟ و از امتیازات نظام بهره، نبردند؟ مجرمین جنگی را از مؤاخذه معاف نکردند؟ صاحب میلیارد ها دالر، هزاران هکتار زمین، شهرک ها، بلند منزل ها در داخل و خارج از کشور نشده اند؟ آیا این سرقت، استفاده جویی، زورگویی، غارت و سایر اعمال خلاف قانون؛ شامل مندرجات نظام ریاستی است؟

۸ : - چه ضمانتی وجود دارد که با تغییر نظام؛ قانون شکنی، سرقت ها، خیانت های ملی و زورگویی ادامه نیابد؟

نُخبه گان و آگاهانِ اهل سیاست و دور از حلقه قدرت؛ معنی ترفند چهره های ناکام و آزمون شده را از قبل میدانند. آنچه موضع گیری تشکیلاتی وابسته به بخش های نظام فاسد، علیه یکدیگر با چراغ سبز ولینعمت های بیرونی و طماع شان صورت می گیرد؛ مورد توجه و علاقه ای ملت دردمند و کوره دیده ما نمی باشد.

خوشبختانه اکثریت ملت به آن سطحی از بلاغت و شعور سیاسی، اجتماعی، رسیده اند که آواز جُغد از بلبل را تشخیص نمایند. این موضع وطن خواهانه ای ما نه به دفاع از دیکتاتور ها و نه تقابل با علاقمندان ملوک الطوائفی؛ میباشد. گمان دارم زمان آن فرار رسیده است که:

از مجموع احزاب جهادی اما صرف چهره های نیک نام شان و چهره های سیاسی و مستقل ملی، چه در داخل دولت، چه در خارج از دولت، چه مخالف مسلح و چه غیر مسلح؛ هر کی به حفظ قطعه خاکی به نام افغانستان یکپارچه و متحد باورمند باشد، در یک یا دو حرکت فراگیر ملی، با ایجاد فضاء تفاهم نسبی بین الافغانی، زیر چتر منافع علیاء کشور؛ مسؤولانه و صادقانه؛ برای حفظ تمامیت ارضی، صلح عادلانه و ثبات سرتاسری متحد شوند.

ملت افغانستان بخصوص جوان های عزیز باید بدانند که: هیچ کس آزادی را به ما هدیه نمی دهد، هیچ کس برابری و عدالت را به ما اعطا نمی کند. بناءً برای بدست آوردن آن؛ خود باید عاقلانه اقدام کنیم !

پاینده و جاوید باد وحدت برادرانه و آگاهانه اقوام ساکن در افغانستان محبوب و یکپارچه !

به امید حاکمیت عقل بر احساسات کور!

پایان